

پیشگیری از جرم پس از رخداد زلزله (ضرورت اجرای راهبرد مدیریت بحران، پیش از زلزله)

مصطفی السان*

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۹/۸ - تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۲/۵)

چکیده

تمرکز بر امداد و نجات به عنوان اقدامات اولیه پس از زلزله و اسکان و بازسازی به عنوان اقدامات ثانویه، موجب شده که به موضوع جرایم پس از زلزله کمتر توجه شود. در حالی که به‌ویژه اگر زمین‌لرزه در شهری بزرگ واقع شده و تلفات جانی و مالی زیادی داشته باشد، جرایمی که پس از زلزله واقع می‌شود، بسیار زیاد و متنوع و داشتن برنامه قبلی برای پیشگیری و مدیریت آنها ضروری خواهد بود. جرایمی که پس از رویداد زلزله امکان ارتکاب آنها وجود دارد به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی (جغرافیایی) است. این جرایم را می‌توان به جرایم زلزله‌زدگان و جرایم فرصت‌طلبان دسته‌بندی کرد. جرایمی که قربانیان زلزله مرتکب می‌شوند، اغلب مبتنی بر نیاز فوری یا مشکلات روحی-روانی است. حال آنکه فرصت‌طلبان از فرصت به‌وجودآمده بر اثر زلزله برای پیشبرد اهداف غیرقانونی و غیراخلاقی خود بهره می‌گیرند. این مقاله پس از بررسی علل ارتکاب و افزایش بزهکاری در فضای زلزله، به معرفی نهادهای مرتبط با پیشگیری از جرم در زلزله می‌پردازد و سرانجام درباره جنبه‌های چندرشته‌ای طراحی نظام پیشگیری از جرم پیش و پس از رویداد زلزله بحث می‌کند. با وجود تحقیقات متعدد در زمینه جرم‌شناسی حوادث و بحران‌های طبیعی، پژوهش مستقلی که به موضوع پیشگیری از جرم پس از رخداد زلزله بپردازد انجام نگرفته است. این مقاله، ضمن تبیین ضرورت اجرای راهبرد مدیریت بحران، پیش از زلزله و اتخاذ تصمیمات پیشگیرانه برای کاستن از آثار زیانبار و به‌ویژه بزهکاری ناشی از فضای بعد از زلزله، در پایان با تقسیم جغرافیایی کانون بحران و حوزه مدیریت آن، راهکارهای عملی و اجرایی ارائه می‌کند. مقاله حاضر از این نظر دارای نوآوری است و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های بیشتر و چندرشته‌ای قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری، زلزله، علل ارتکاب جرم، فضای جرم.

* Email: m_elsan@sbu.ac.ir

مقدمه و طرح بحث

بی‌نظمی ناشی از وقوع زلزله، شرایط خاصی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد. «جرایم بی‌نظمی» اغلب توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابد که عامل بی‌نظمی نیستند، اما از فرصت‌های به‌وجودآمده برای رسیدن به اهدافی که تنها در آن شرایط قابل حصول است، بهره می‌گیرند یا تحت تأثیر زلزله، در وضعیتی قرار می‌گیرند که سبب تسهیل ارتکاب جرم و ناهنجاری توسط آنان می‌شود. علل ارتکاب یا افزایش جرم در فضای زلزله بسیار متعدد و اغلب ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر منطقه زلزله‌زده، پیش و پس از آن است. مقاله حاضر، پس از بررسی جرم‌شناختی جرایم در فضای زلزله، به طرح این موضوع مهم می‌پردازد که پیشگیری از جرم پس از زلزله، به همکاری و همیاری نهادهای مختلفی بستگی دارد و بدون اتحاد در مدیریت، نظارت، تصمیم‌گیری و اجرا، پیشگیری از بیشتر جرایم در این فضا غیرممکن خواهد بود. به‌علاوه، فضای بحرانی ناشی از زلزله، موجب معرفی جرایم و بزهکاران ناشناخته و بی‌سابقه‌ای می‌شود که باید طرح جامعی را پیش از وقوع، برای مدیریت این دسته از جرایم و بزهکاران اندیشید و تجربه‌های به‌دست‌آمده در فضای زلزله را برای پیشگیری از موارد مشابه در آینده به کار گرفت.

بی‌نظمی ناشی از وقوع زلزله و نیز شرایط اجتماعی- روانی خاصی که پس از آن به وجود می‌آید، زمینه‌ساز ناهنجاری اجتماعی و بزهکاری است. به‌عبارت دیگر زلزله، با فجایع و مصیبت‌هایی که برای بلادیدگان به‌همراه دارد، ایجادکننده خلأها و پیامدهای نامعمول برای روند عادی زندگی اجتماعی و در نتیجه فرصت‌هایی برای بزهکاری و خشونت است. بنابراین ممکن است دسته‌های نامتقارنی از بزهکاری در مصیبت‌دیدگان و فرصت‌طلبان شکل بگیرد.

مطالعات اولیه نشان می‌دهد که وقوع حادثه طبیعی همه‌گیر مانند زلزله می‌تواند زندگی عادی مردم را به‌ویژه در کلانشهرها یا مناطقی که در آنجا به هر دلیل اختلاف قومی، زبانی یا شرایط خاص اقتصادی و جغرافیایی وجود دارد، با اختلال جدی روبه‌رو سازد. به‌طور خلاصه وقوع حادثه همه‌گیر، جرم‌ساز یا حداقل عامل ناهنجاری، آشوب و بیماری روانی است. این وضعیت، اگر با شرایط فضایی خاص حاکم بر محل حادثه، زمان وقوع آن، گستره فاجعه و نابسامانی مدیریتی تلاقی پیدا کند، به‌خصوص در مورد کلانشهرها، می‌تواند به فاجعه‌ای سیاسی- امنیتی تبدیل شود.

بنابراین، برای پیشگیری از جرم، جنایت و خشونت در زمان وقوع زلزله، الزاماً باید اقدامات دقیقی پیش از وقوع حادثه انجام گیرد و راهبردهای لازم و قابل اجرا برای زمان زلزله پیش‌بینی شود که هر دو موضوع نیازمند همکاری نهادهای مختلف، تحت مدیریت عالی

مرجعی واحد است. بدیهی است که نبود مدیریت صحیح یا اتخاذ تصمیم‌هایی که در عمل قابل اجرا نیستند، بحران اجتماعی - سیاسی ناشی از حادثه را تشدید کرده و حتی در مواردی بحران را کنترل‌ناپذیر خواهد کرد.

قبل از ورود به بحث باید یادآوری شود که مصادیق اعمال مجرمانه در مناطق زلزله‌زده به‌طور خاص در قوانین و مقررات کیفری نیامده است. تنها ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، سرقت از مناطق زلزله‌زده را از اقسام سرقت مقید محسوب داشته [۱۱، ص ۵۸] و برای آن تشدید کیفر پیش‌بینی کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حائز شرایط حد نباشد، مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». بدیهی است که اگر این سرقت مقرون به آزار و اذیت باشد، فعل مرتکب مشمول ماده ۶۵۲ قانون تعزیرات خواهد بود که مجازات شدیدتری را برای بزهکار تعیین می‌کند و مقرر می‌دارد: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد».

روش و چارچوب بحث

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است، بدین صورت که علل ارتکاب و افزایش بزهکاری در فضای زلزله با در نظر گرفتن تفاوت کمی و کیفی جرایم در فضای زلزله بررسی شده و تلاش می‌شود نظام مشخصی برای پیشگیری از جرم بعد از رخداد زلزله، با در نظر گرفتن نقش نهادها و سازمان‌هایی که می‌توانند در این پیشگیری دخیل باشند، طراحی شود.

گفتار اول. علل ارتکاب و افزایش بزهکاری در فضای زلزله

وقوع زلزله - بسته به نوع و حجم خسارات مالی و جانی واردآمده - شرایط و فضای خاصی را به وجود می‌آورد که حسب مورد ارتکاب بزهکاری را ممکن یا تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، همواره افرادی هستند که کم‌وبیش از شرایط ناشی از زلزله برای رسیدن به مقاصد قبلی یا آنی خود سوء استفاده می‌کنند. به‌علاوه، رویداد زلزله مخرب، جامعه را به‌طور موقت وارد فضای جدیدی می‌کند که نیازها، مقتضیات، کنترل‌ها و مدیریت متفاوتی را نسبت به شرایط عادی می‌طلبد. بنابراین علل ارتکاب و/یا افزایش بزهکاری در زلزله را می‌توان زیر دو عنوان جداگانه بررسی کرد.

۱-۱. بررسی پژوهش‌های مرتبط

در هند، مطالعات اثبات می‌کند که حادثه طبیعی مانند طغیان گسترده رودخانه و دیگر حوادث طبیعی گسترده، نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی را تضعیف و فرصت‌های بیشتری را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کند. وجود هدف‌های بالقوه و واجد شرایط (اموالی برای دزدیدن یا اشخاصی برای قربانی شدن)، نبود نظارت پلیس، همسایگان یا دوربین‌های مداربسته و حضور بزهکاران مستعد، زنجیره مناسبی را برای ارتکاب جرایم در شرایط بلایای طبیعی به وجود می‌آورد [۳۰، ص ۲۹].

در جریان طغیان گسترده رودخانه‌ها در ایالت بنوی نیجریه در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳، قتل عمد ۸۹/۷ درصد نسبت به سال ۲۰۱۱ افزایش یافت. تجاوز به عنف ۳۳/۳ درصد، تصرف غیرقانونی در املاک دیگران ۲۶/۹ درصد، سرقت ۴۰ درصد، شکستن حرز و ورود غیرقانونی به مغازه‌ها ۴۹/۲ درصد، ضرب و جرح و درگیری ۷۰ درصد، مصرف مشروبات الکلی ۵۰ درصد و اسکان و استفاده از امکانات اسکان اضطراری به‌نحو غیرقانونی ۲۱/۹ درصد افزایش داشت [۲۸، ص ۴۷]. از این‌رو، رابطه معناداری بین شرایط ناشی از حوادث طبیعی و افزایش ارتکاب جرم و خشونت وجود دارد.

پژوهش دیگری اثبات می‌کند که در حوادث طبیعی متوسط و شدید، به‌ویژه جرایم مالی افزایش می‌یابد. در این پژوهش، نقش رسانه در کاهش ارتکاب جرم از طریق اخبارهای پیش و پس از بروز بحران ناشی از حوادث طبیعی، شفاف‌سازی و ارائه رهنمودهای پیشگیرانه اثبات شده است [۲۹، ص ۲۰-۱۹].

در کشورمان مقالات و پژوهش‌های محدودی درباره ارتباط حوادث و بلایای طبیعی با جرم به رشته تحریر درآمده است. در یکی از تحقیقات، جهت‌گیری سیاست کیفری بر مبنای دانش مخاطرات (مطالعه موردی: سیل فروردین ۱۳۹۸ در خوزستان و شیراز) [۱۸] برخی از جنبه‌های موضوع بررسی شده است.

۱-۲. علل فضایی ارتکاب / افزایش بزهکاری در زلزله

نمی‌توان انکار کرد که ارتکاب جرم به تلاقی و تقارن واقعی یعنی جمع مرتکب با انگیزه و یک هدف مناسب و سهل‌الوصول در یک زمان و مکان معین بدون وجود مانع مؤثر و شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد [۱۷، ص ۳۱۴]. حادثه فراگیری چون زلزله چنین فضایی را در مورد بسیاری از جرایم که در حالت عادی وقوع آنها برای بزهکار دشوار یا پرهزینه است، ایجاد می‌کند.

فضایی که بلافاصله پس از رویداد زلزله به وجود می‌آید و بسته به عوامل مختلف، مدتی کوتاه یا طولانی استمرار می‌یابد، زمینه‌ساز جرایم و ناهنجاری‌های مختلفی است. بی‌برنامگی یا نقص برنامه‌های موجود یا اساساً اولویت مسائل دیگر یا ناهماهنگی در کنترل دولتی نسبت به وضعیت پس از حادثه یکی از علل فضایی است. نداشتن آمادگی قبلی نهادهای ذی‌ربط، سبب می‌شود که آنها در مواجهه با وضعیت جدید که آثار ناخواسته خود را در پی دارد، با نوعی آشوب در مدیریت، عملکردهای خودسرانه و برداشتهای شخصی مواجه شوند. این مشکل، وقتی حادث می‌شود که نهادهای کنترل بزهکاری مجبور باشند امور مهم‌تری همچون نجات آسیب‌دیدگان را بر عهده بگیرند. در واقع، یکی از علل اصلی ارتکاب جرم آن است که عوامل امداد و نجات تصور نمی‌کنند عده‌ای به‌جای اندیشه‌های اخلاقی و بشری همچون نجات هم‌نوعان، به فکر استفاده از شرایط بحرانی برای منافع سوء و شخصی خود باشند.

فضای زلزله، ایجادکننده فرصتهای جدید است: وقتی در اثر زلزله، سامانه امنیتی بانک‌ها از کار بیفتد یا کسی به آژیر آن اهمیتی ندهد، عده‌ای به فکر سرقت از گاوصندوق‌ها می‌افتند. همچنین ممکن است یک تبهکار در این فرصت از زندان فرار کند یا واحد پایگانی اسناد و مدارک زندان را به آتش بکشد. به‌علاوه، بیشتر بازماندگان زلزله فراگیر، مصدوم، ضعیف یا بی‌دفاع می‌شوند و در نظر آنها نجات جان خود و خویشان بر هر مسئله دیگری اولویت پیدا می‌کند. در واقع، بعضی از مردم فرصتهای بیشتری در مقایسه با دیگران برای انجام دادن کارهای قانونی دارند. در مقابل، رودررو شدن افرادی که کمتر فرصت زندگی متعارف را داشته‌اند، با افرادی که استعداد قربانی شدن را دارند ایجاد فرصت برای افراد مستعد، زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند و این گونه محیط جرم‌خیز شکل می‌گیرد [۳، ص ۲۴].

وقوع زلزله فراگیر، از جهت دیگر نیز یک «فرصت بزهکاری» است: نیازهای جدید و ناشناخته‌ای به نیازهای عادی مردم افزوده می‌شود و در نتیجه ممکن است شخصی برای غذا یا سرپناه مرتکب هر جرمی بشود. وقتی رقابت برای زنده ماندن باشد، به‌ویژه در شهرها و روستاهای ناهمگون - به لحاظ اجتماعی و فرهنگی - ارزش‌ها و اخلاق به یکباره رنگ می‌بازند و برخی، منافع شخصی و آنی خود را در لوا یا تحت تأثیر حادثه مصیبت‌بار جست‌وجو می‌کنند. بالاخره اینکه، فضای جدید ساخت مکانی پیشین را برهم می‌زند. مخفیگاه‌های جدید ایجاد می‌شود، حریم منازل و اماکن برهم می‌خورد، بسیاری از حرزها خودبه‌خود شکسته می‌شود و در نتیجه فرصتهای طلایی برای فرصت‌طلبان فراهم می‌آید.

این فرصت‌ها فقط در مرکز حادثه نیست، در اطراف محل وقوع آن نیز زمینه‌هایی برای ارتکاب جرم به وجود می‌آید. آذوقه، لباس، چادر و ... که در حال حمل به محل زلزله‌زده است،

اگر به خوبی مدیریت و حراست نشود، موضوع خوبی برای سرقت و خیانت است و متصدیان پخش یا اهالی مناطق اطراف می‌توانند از این فرصت استفاده کنند.

فضای زلزله، با توجه به اولویت‌بندی نیازها و اقدام‌ها بر مبنای نجات جان و کمک به مصدومان، دفن مردگان و سپس صیانت از اموال ارزشمند دولتی و مردمی، محیط خوبی برای ارتکاب جرایمی است که پیشگیری از آنها در اولویت قرار ندارد یا اساساً مطالعه‌ای برای شناخت احتمال وقوع آنها پیش از زلزله یا در ساعات اولیه وقوع آن انجام نگرفته است. ادعای مالکیت در مناطق زلزله‌زده، تخریب آثار باستانی در جست‌وجوی اشیای عتیقه، سرقت ابزارهای امداد و نجات یا استفاده بیش از حد نیاز از آنها یا استفاده برای اهدافی غیر از امداد و نجات، از جمله این جرایم و تخلفات هستند که در گفتارهای بعد بیشتر بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۱. علل اجتماعی ارتکاب/افزایش بزهکاری در زلزله

چنانکه گفته شد، وقوع زلزله، پدیدآورنده «فرصت» است. این فرصت، در تحلیل عام می‌تواند به زمانی برای اندیشیدن به قدرت خدا، توسعه پایدار برای پیشگیری از آثار مخرب حوادث مشابه در آینده، انسان‌دوستی و اهداف اجتماعی تعبیر شود. از این فرصت، البته می‌توان برای اهدافی که در خارج از آن فرصت قابل حصول نبوده یا مستلزم هزینه زیاد است، بهره گرفت. فرصت‌طلبان، رویداد زلزله را «سودانگاران» می‌نگرند؛ سودی که در شرایط عادی و به شیوه مشروع نمی‌توان بدان دست یافت.

حادثه، به لحاظ اجتماعی می‌تواند موجب فعال شدن بحران‌های اجتماعی شود. وقوع سیل و از بین رفتن حد و مرز زمین‌های زراعی، به یک غاصب فرصت می‌دهد که املاک دیگران را تحجیر کند و بر مساحت ملک خود بیفزاید. در وضعیتی بدتر، زلزله و هرج‌ومرج ناشی از آن فرصت «انتقام» را فراهم می‌سازد. انتقام ممکن است شخصی یا نوعی باشد.

تفاوت‌های قومی، دینی، زبانی و ... و وجود اختلاف‌های مستمر میان آنها می‌تواند انگیزه‌ای برای انتقام در شرایط بحرانی فراهم سازد. احتمال چنین رویدادی بسیار نادر است، اما اگر عده‌ای به صورت «گروهی» در صدد سوء استفاده از شرایط بحرانی باشند، نتیجه آن چیزی جز «نسل‌کشی» و اقداماتی که می‌توان آثار آن را با جنگ مقایسه کرد، نخواهد بود. حمله به فروشگاه‌ها و حملات تروریستی در جریان قطع سراسری برق ترکیه^۱ یا کشتار مسلمانان در

۱. «ساعت حدود ۱۰،۳۰ صبح (۱۲ فروردین ۱۳۹۴، ساعت ۱۲ به وقت تهران)، بطور ناگهانی برق در منطقه وسیعی از ترکیه قطع شد. قطع برق به‌ویژه در شهرهای بزرگی چون استانبول، آنکارا، ازمیر و ترابوزان و بورسا و شهرهای صنعتی غرب این کشور موجب بروز اختلال در حیات روزمره در این کشور شد و عملاً ترکیه به

جریان جنگ در بالکان [۲۶]، نمونه‌ای برای اثبات این وضعیت نادر است که به هر حال باید آن را در معادلات اجتماعی پس از حادثه طبیعی مدنظر قرار داد.

علل اجتماعی ارتکاب و افزایش جرایم در شرایط زلزله، بنابراین به این موضوع توجه دارد که زلزله، بسته به نوع، شدت و میزان آثار زاینبار، اغلب موجب یک بحران روانی-اجتماعی است. عامل مهم اجتماعی دیگر که سبب افزایش ارتکاب جرم در میان زلزله‌زدگان می‌شود، به‌طور مستقیم با میزان توجه به ایشان، وضعیت معیشتی، طول مدت زمان بازگشت به حالت عادی و به اصطلاح روند ساخت‌مند شدن مجدد زندگی اجتماعی مرتبط است. به‌عنوان نکته طبیعی، اگر امدادسانی و رفع نیازهای اولیه زلزله‌زدگان به‌صورت امری نامنظم یا دلخواه پیگیری شود، آنها خود را در وضعیتی شبیه گدایان احساس خواهند کرد. افرادی که تا چند ساعت یا چند روز پیش - قبل از حادثه - زندگی شرافتمندانه‌ای داشته‌اند، اکنون باید منتظر اعانه و ترحم دیگران باشند. این وضعیت که بیشتر جنبه فکری و روانی دارد، به‌راحتی می‌تواند به‌ویژه مرد خانواده یا فرزندان ذکور بزرگ‌تر را به خشونت و درگیری با غریبه‌هایی که برای امداد یا کنترل اوضاع آمده‌اند، تحریک کند. به‌ویژه اگر مردم با اعلام شرایط اضطراری در یک مکان دولتی مانند مدرسه یا پناهگاه، پناه گرفته باشند و آن مکان، علی‌رغم اینکه باید مستحکم می‌بود، بر سر آنها خراب شود، مباحثی همچون خیانت به کشور و بی‌توجهی به زندگی شهروندان در میان مصیبت‌دیدگان رد و بدل خواهد شد.

از این‌رو، امدادگری نامنظم، تعلل یا ناتوانی در بازگرداندن شرایط به حالت عادی، بی‌توجهی به مصدومان یا تبعیض در ارائه خدمات، نتایجی همچون نارضایتی، گرسنگی، بی‌خانمانی، وحشت و اضطراب و جرایمی مانند ضرب و جرح، سرقت، فحاشی، توهین و ناهنجاری‌های روانی متعددی را در شرایط فعلی یا در آینده در پی خواهد داشت.

گفتار دوم. وضعیت کمی و کیفی جرایم در فضای زلزله

در یک نگاه کلی، جرایم مرتبط با فضای زلزله را می‌توان به جرایم و خشونت‌های ناشی از اصل

خاموشی فرو رفت و هرج‌ومرج در ترافیک سنگین استانبول و آنکارا و حمل‌ونقل ریلی شهری و ارتباطات رخ داد و کارکرد بیمارستان‌ها و ادارات دولتی در این کشور مختل شد ... رسانه‌های ترکیه ... به‌طور گسترده قطع برق را در صفحات نخست خود منعکس کرده‌اند، از این رویداد به‌عنوان بدترین روز ترکیه و «روز آفت بی‌برقی» یاد کرده و تأکید نمودند که این رویداد باید درس عبرتی برای دولتمردان باشد تا تدابیر جدی برای مقابله با آفت‌های طبیعی و غیرطبیعی چون قطعی برق اتخاذ شده و دولت همواره آمادگی مقابله با چنین رویدادهای فلج‌کننده‌ای را داشته باشد» منبع: www.rajaneews.com/news/206738

حادثه یعنی جرایم زلزله‌زدگان و جرایم فرصت‌طلبان تقسیم کرد. هر دو دسته در شرایط و اوضاع و احوال کاملاً خاص روی می‌دهند و به همین دلیل، عمق فاجعه، موقعیت جغرافیایی منطقه وقوع و حتی فصل رویداد آن و زمان و نحوه برطرف کردن شرایط بحرانی به وجود آمده، در میزان و کیفیت ارتکاب آنها به شدت مؤثر است.

تنوع و تفاوت جرایم و ناهنجاری‌های زلزله‌زدگان از یک‌سو و فرصت‌طلبان از سوی دیگر، بررسی جداگانه این دو را ضروری می‌سازد.

۲-۱. جرایم زلزله‌زدگان

ناهنجاری‌هایی که در میان افراد زلزله‌زده دیده می‌شود، تنها در پاره‌ای از موارد، چهره مجرمانه دارد و اکثراً به صورت اختلال روانی و مسایل شخصی و شخصیتی بروز می‌کند. دچار شدن به انواع بیماری‌های روانی از جمله اضطراب، انزوای، پوچی و احساس گناه یا اعتیاد به مواد مخدر - خصوصاً در حالتی که در منطقه، اعتیاد به مواد مخدر شایع بوده و/یا مواد مذکور در دسترس باشد [۲۰، ۱۵، ۱۴ و نیز رجوع کنید: ۱۶، ۱۵]، از این اختلال‌ها است که پیشگیری نکردن سریع از آنها، در پاره‌ای از موارد می‌تواند به جرم یا خودکشی بینجامد.

اما بیشتر جرایم زلزله‌زدگان، از یک قاعده طبیعی به نام «علاقه اجتماع به ساخت‌مند شدن مجدد پس از فروپاشی» ناشی می‌شود [برای دیدن این قاعده و مسائل پیرامون آن ن.ک: ۱۰]. این قاعده حتی در میان موجودات زنده دیگری که به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند نیز دیده می‌شود. برای مثال، در دنیای مورچه‌ها، پس از نابودی لانه در اثر سیل یا توسط دشمن، ساخت لانه جدید فوراً و حتی همزمان با فرایند تخریب آغاز می‌شود.

علاقه به تجدید حیات، به‌عنوان یک میل طبیعی و فطری اقتضا دارد که نیازهای فوری و اضطراری زلزله‌زدگان تا حد متعارف و بدون هیچ‌گونه تبعیضی فراهم شود. این نیازها، حداقل‌های استمرار حیات، مانند آب، غذا، پوشاک برای نمردن از سرما و وسایل ابتدایی پخت‌وپز را شامل می‌شود و تأمین نکردن آنها در بیشتر موارد، برای شخص چاره‌ای جز اقدام به دزدیدن یا به زور گرفتن آنها باقی نخواهد گذاشت.

تفاوت اجتماعات انسانی با موجودات دیگر و نیز تفاوت ساختارهای اجتماعی امروزی با گذشته، باید در فرایند ساخت‌مند شدن مجدد مورد توجه قرار گیرد. در شرایط زلزله، مدارس، دانشگاه‌ها، محیط‌های سرگرمی و ورزش برای مدت نسبتاً طولانی تعطیل می‌شوند و به همین دلیل زمینه بیکاری توأم با چالش ذهنی و روانی عده زیادی از جوانان و نوجوانان فراهم می‌آید. این وضعیت می‌تواند زمینه جرایمی همچون منازعه، اعتیاد یا خشونت را فراهم کند.

عامل دیگر برای جرایم زلزله‌زدگان، که البته تعداد اندکی از ایشان را تهدید می‌کند، پوچ‌گرایی و گرایش به خودکشی است. در واقع، وقتی شخص به دلیل مرگ همه یا بسیاری از اعضای خانواده‌اش، چیزی برای از دست دادن نداشته باشد و تمهیدات روانی و مددکاری اجتماعی فوری اندیشیده نشود، تمایل به خودکشی در شرایط فعلی یا ارتکاب جرایم ناشی از پریشانی روانی در آینده، مانند خودآزاری، کودک‌آزاری، اعتیاد و حتی تشکیل گروه‌های سازمان یافته قاچاق و راهزنی، چنین اشخاصی را تهدید خواهد کرد.

۲-۲. جرایم فرصت‌طلبان

اگر زلزله‌زدگان با هدف رفع نیازهای فوری یا در نتیجه فشار روانی ناشی از تبعات حادثه طبیعی مرتکب جرم می‌شوند، فرصت‌طلبان با قصد نهایت سوء استفاده از شرایطی که به‌طور موقت و برای مدت نامعلومی به وجود آمده، وارد عمل می‌شوند، هیچ‌واهمه یا توجهی به آثار مخرب اعمال خود ندارند و گاه مرتکب جرایمی می‌شوند که در نوع خود منحصر به فرد است و موجب تشدید بحران موجود می‌شود.

تجربه زلزله‌های به‌شدت مخرب، مبین جرایم و تخلفاتی از سوی فرصت‌طلبان است. این افراد ممکن است بومی اطراف محل حادثه یا از امدادگران و مسئولانی باشند که انتظار نمی‌رود مرتکب تخلف و بزهکاری شوند. هرچه زلزله شدیدتر و قلمرو جغرافیایی آن وسیع‌تر باشد، فرصت‌های بیشتری ایجاد می‌شود و در نتیجه فرصت‌طلبان بیشتری به منطقه زلزله‌زده یا اطراف آن جذب می‌شوند. برای مطالعه این دسته از جرایم، فضا و منطقه زلزله، بهترین مکان برای مطالعه میدانی و ملموس است.

ممانعت از ورود آذوقه به منطقه زلزله‌زده و تغییر مسیر آذوقه و اقلام ضروری به روستاها و شهرهای اطراف مرکز بحران یا حتی خیلی دوردست‌تر، راهزنی و چپاول کمک‌های مردمی، تجاوز به افراد بی‌دفاع، انتقال بدون مجوز و بی‌حساب و کتاب مصدومان یا مردگان به محل‌های دیگر، سرقت اموال با ارزش مصدومان و کشته‌شدگان، نابود کردن اسناد و سوابق دولتی و صنفی، تخریب آثار باستانی در جست‌وجوی عتیقه، جعل اسناد یا ادعای مالکیت در مناطق مصیبت‌زده به‌منظور دریافت کمک‌های مردمی و تسهیلات دولتی، فروش اجناس و اقلام مساعدتی، سرقت وسایل و ابزارهای امداد و نجات متعلق به امدادگران ایرانی و خارجی، حمله به انبارهای سلاح و مناطق حساس و... از جمله این جرایم و تخلفات به‌شمار می‌آیند.

چنانکه گفته شد فرصت‌طلبان از شرایط و اوضاع و احوال به‌وجودآمده «سوء استفاده» می‌کنند و سبب اخلال در امداد و نجات، تخریب وجهه ایرانی در میان خارجی‌ان (در مواردی همون سرقت

سگهای زنده‌یاب یا اقدامات خودسرانه و بدون حساب و کتاب در مناطق فاجعه‌دیده، تلف کردن وقت مسئولان امداد و نجات (از طریق ضروری ساختن اختصاص نیرو برای پیشگیری از جرایم و تخلفات ایشان)، تشدید بحران اجتماعی (با سکونت غیرقانونی در مناطق آسیب‌دیده و استفاده از کمک‌ها و تسهیلاتی که برای زلزله‌زدگان واقعی تدارک دیده شده)، اخلال در امنیت کشور (به‌دلیل راهزنی یا سرقت از بانک‌ها و مراکز مالی) و بدبین کردن مردم نیکوکار به دولت و نهادهای دولتی (در مواردی همچون سرقت کمک‌های مردمی - اعم از شهروندان داخلی یا خارجی - از سوی مسئولان یا دست‌اندرکاران توزیع و فروش آن در فرسخ‌ها دورتر) می‌شوند.

البته فرصت‌طلبان، همیشه افرادی نیستند که بیرون از صحنه حادثه قرار داشته باشند و سپس وارد صحنه شوند یا از شرایط به‌وجودآمده سوء استفاده کنند. افراد غیربومی یا غیرایرانی که در چادرها و آلودگی‌های محل زلزله یا اطراف آن سکونت دارند و در اثر زلزله، متحمل خسارت جانی نشده‌اند یا به این خسارت‌ها اهمیتی نمی‌دهند، به‌دلیل تعلق خاطر نداشتن به زلزله‌زدگان واقعه، بهترین مظنون‌ها برای جرایمی همچون سرقت و تجاوز به عنف به شمار می‌آیند. از این‌رو، در برنامه‌ریزی‌های کلان شهرنشینی و پیشگیری از جرم در زلزله، باید راهکارهای پایداری برای مشکل حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیرقانونی اندیشیده شود.

گفتار سوم. نهادهای مرتبط با پیشگیری از جرم در زلزله

شرایط بحرانی ناشی از زلزله و نمایان شدن مرگ‌ومیر، امداد و نجات، پیشگیری از شیوع بیماری‌های واگیر، انتقال و اسکان بازماندگان در مناطق امن و حفظ حریم و اموال مردم، در کنار هم، سبب می‌شود که مسئله پیشگیری از جرم، موضوع حایز اهمیتی به نظر نیاید یا هر شخص یا نهادی در حال انجام وظیفه خود، به هر نحو که صلاح می‌داند با آن برخورد کند. به‌عبارت دیگر، در شرایط بحرانی، مهم‌ترین رکن یعنی «مدیریت پیشگیری» به سستی می‌گراید و هرکس به خود اجازه می‌دهد کم‌دغدغه‌ترین تصمیم را در شرایط بحرانی بگیرد. با توجه به اینکه طراحی نظام پیشگیری برای جرایم در شرایط زلزله در گفتار بعد انجام می‌گیرد، در اینجا صرفاً به بررسی نهادهای مرتبط با پیشگیری در شرایط مذکور خواهیم پرداخت.

۳-۱. پلیس پیشگیری

نخستین پرسش آن است که آیا در شرایط بحرانی ناشی از زلزله، پلیس پیشگیری مفهوم و وجود خارجی دارد؟ پاسخ این‌گونه خلاصه می‌شود که اگر پیش از حادثه، نظام جامعی برای پیشگیری از جرم طراحی شده باشد، پلیس رکن اصلی و مدیر اجرایی پیشگیری از جرم خواهد بود.

در شرایط عادی، پلیس به حکم وظیفه خود، امر پیشگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرم، جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه‌دیدگان را بر عهده دارد. به عبارتی، پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در همه کشورهای، از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط است [۲۷، ص ۶۳].

«استقرار پلیس در فضای جغرافیایی معین یا گشت‌های پلیس در مکان‌ها و محله‌های معین در چارچوب پیشگیری وضعی قرار می‌گیرند، زیرا بدین ترتیب وضعیت و اوضاع و احوال ماقبل و مشرف به بزهکاری به ضرر مجرم تغییر می‌کند و لاقلاً مجرم را از ارتکاب جرم در آن محدوده یا نسبت به آن آماج معین منصرف می‌کند» [۲۲، ص ۱۴۰].

در شرایط اضطراری، پلیس محل حادثه، در صورتی که خود آسیب جدی ندیده باشد، با توجه به جو حاکم بر منطقه، عملاً عهده‌دار وظایف مهم‌تری همچون نجات بازماندگان می‌شود. به عبارت دیگر، در شرایط بحرانی، جو حاکم مانع از آن است که پلیس به‌جای همکاری با نیروهای مردمی و امدادگران به‌دنبال بزهکاران یا زندانیان فراری باشد. البته در جرایم مشهود، یعنی جرایمی که در مرکز اصلی حادثه و در مقابل دیدگان پلیس روی می‌دهد، آنها به حکم وظیفه واکنش نشان داده و تکلیف قانونی خود را انجام می‌دهند.

تجربه فجایع گسترده همچون زلزله‌های بزرگ‌تر از ۶ ریشتر نشان می‌دهد که کانون حادثه، از نظر جرم‌شناختی در ساعات اولیه پس از حادثه به‌دلیل شوک ناشی از آن و آسیب‌دیدگی افراد بومی، شاهد جرایم عمده‌ای نیست. پس از ساعات اولیه، به‌ویژه اگر زلزله در ابتدای شب واقع شده باشد، جرایمی همچون سرقت، فرار از زندان یا بازداشتگاه و در مواردی، بسته به توان و شرایط زمانی و مکانی زلزله، تجاوز به عنف آغاز می‌شود. در ساعات بعد، جرایم بیشتری خارج از کانون اصلی زلزله شروع می‌شود که از جمله آنها می‌توان به سرقت مواد غذایی، چادر، لوازم پزشکی و دارو و تخریب اموال دولتی و آثار باستانی اشاره کرد. به‌علاوه، تخلف از وظیفه و عدول از دستور در میان مسئولان امداد و نجات، ایجاد آشوب و اغتشاش میان بازماندگان، شایعه‌پراکنی و اضافه شدن به جمعیت آسیب‌دیده را باید به مواد یادشده افزود.

دسته‌بندی دقیق جرایم و تخلفات، پیش از بروز زلزله، به تفکیک مکان و قدرت زلزله، این امکان را فراهم می‌سازد که پلیس پیشگیری، پس از اقدامات اولیه برای امداد و نجات، وظایف اصلی خود را از سرگیرد یا در کنار وظایف ناشی از شرایط اضطراری و با کمک نیروهای مردمی، جلوگیری از جرایم و تخلفات را نیز پیگیری کند.

۲-۳. نیروهای نظامی (ارتش و سپاه) و اطلاعاتی

در خارج از کانون اصلی زلزله، یعنی در منطقه زرد، نیروهای نظامی مستقر با کنترل رفت و آمد به منطقه حادثه، نقش مهمی در پیشگیری از جرم و تخلف دارند. در این حوزه، از فنون مدیریت محسوس استفاده می‌شود. برخلاف منطقه قرمز که با مصیبت‌زدگان عصبانی تا حد امکان به نرمی برخورد می‌شود، در منطقه زرد، برخورد با افراد غیربومی و غیرمسئول که به هر دلیل قصد ورود به منطقه را دارند، جدی و سختگیرانه است. این وظیفه بر عهده نیروهای تحت فرماندهی ارتش و سپاه است که از طریق یک ستاد مشترک هماهنگ شده‌اند. طبیعی است که ناهماهنگی میان این نیروها یا ادعای برتری هر کدام بر دیگری، مشکلات عمده‌ای را در عمل ایجاد خواهد کرد.

هرچند نیروهای نظامی، برای پیشگیری از جرم آموزش ندیده‌اند، در شرایط اضطراری حضور و جدیت آنها می‌تواند امنیت کامل محل اصلی زلزله‌زده را تأمین کرده و برای امدادگران و دیگر نهادهای مسئول این امکان را فراهم کند که دغدغه‌ای جز وضعیت و شرایط مستقیم ناشی از زلزله نداشته باشند. در صورت گستردگی کانون زلزله، بخشی از نیروهای نظامی با حضور در محل حادثه، علاوه بر امداد و نجات، ممکن است وظیفه پیشگیری از برخی جرایم و تخلفات را نیز عهده‌دار شوند.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی با کنترل نامحسوس که بیشتر برای جلوگیری از جرایم خطرناک برای امنیت عمومی و ملی است، به موجب قوانین خاص برخی از وظایف پلیس را بر عهده دارند. در حقوق ایران، مطابق با تبصره ۱ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، «جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی، امنیتی و پیگرد اطلاعاتی آن به عهده وزارت اطلاعات است. چنانچه نیروی انتظامی در حین انجام وظایف محوله به این قبیل اخبار و اطلاعات دسترسی پیدا کند، مکلف است ضمن کسب و جمع‌آوری، آنها را سریعاً در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهد...».

تبصره ۲ همان ماده به بیان همکاری نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات درباره جرایم اجتماعی می‌پردازد. بنابر این تبصره، «پیگرد اطلاعاتی مواردی از جرایم اجتماعی که با امنیت ملی مرتبط بوده یا قسمتی از یک توطئه یا فعالیت‌های پنهانی با هدف براندازی را تشکیل دهد، با هدایت متمرکز وزارت اطلاعات و همکاری نیروی انتظامی انجام خواهد شد». بنابراین، در شرایط عادی و بحران‌های اجتماعی، فعالیت وزارت اطلاعات در کنترل جرایم امنیتی و خطرناک برای آسایش عمومی واجد اهمیت زیادی است.

۳-۳. نیروهای امدادی و مردمی

نیروهای خودجوش و مردمی، از نظر تعداد، بیشترین سهم را در عملیات امداد و نجات در مناطق زلزله زده ایفا می کنند. شهروندان یک کشور، بسته به میزان نزدیکی به محل زلزله و نیز امدادگران خارجی، در اولین فرصت خود را به محل زلزله می رسانند و ملموس ترین نقش را در درک عمق فاجعه و کاستن از آثار مخرب آن بر عهده دارند.

پیشگیری از جرم یا عملیات امداد و نجات، دستگیری و معرفی بزهکاران پس از بروز زلزله و جرایم مرتبط با آن، با اندیشه پیشگیری جامعه مدار ارتباط می یابد. تعدادی از مصادیق پیشگیری جامعه مدار در سطح مقررات فراتقنینی، یعنی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز شناسایی شده است که زمینه اساسی سازی این شاخه از حقوق پیشگیری از جرم را فراهم آورده است. این اصول از قانون اساسی با تقویت توان اقتصادی شهروندان و نیز توجه به خانواده و نقش ارکان سازنده اجتماع در ایجاد همبستگی اجتماعی ارتباط می یابد [۲۴، ص ۹۵].

نیروهای امدادی و مردمی را می توان در دو قالب سازمان یافته و غیرسازمان یافته بررسی کرد. نیروهای هلال احمر، بسیج و وابستگان به درمانگاه ها، بیمارستان ها و مؤسسات دولتی، بدون اینکه تکلیف قانونی روشنی در شرایط اضطراری به وجود آمده داشته باشند، به صورت سازمان یافته در کانون حادثه برای امداد و نجات و تأمین امنیت فعالیت می کنند. اما نیروهای غیرسازمان یافته، به هر کدام از افراد اعم از بومی و غیربومی گفته می شود که بدون قرار گرفتن در قالب سازمان یا نظام مدیریتی خاص، در جهت نجات هم وطنان یا نجات، دفن، امداد و انتقال خویشاوندان خود اقدام می کنند.

با توجه به اینکه، جز در صورت وجود برنامه کلان، نیروهای امدادی و مردمی، از ضوابط جامعی در فعالیت های خود تبعیت نمی کنند، انتظار پیشگیری سازمان یافته از جرایم نیز از ایشان بسیار بعید است. در صورت وجود طرح جامع مدیریت بحران، پس از انجام عملیات اولیه امداد، نجات، انتقال مصدومین و دفن مردگان، از نیروهای مردمی برای اداره امور منطقه فاجعه زده استفاده کرد. به ویژه نیروهای بومی و بازماندگان زلزله، با توجه به شناخت کلی شرایط و احوال منطقه، می توانند بهتر از هر شخص دیگری عوامل اغتشاش، راهزنی، یاغی گری یا تخریب و سرقت را شناسایی کنند و پلیس پیشگیری را یاری دهند.

بر عکس، متأسفانه، نبود طرح جامع از پیش تعیین شده، دقیق و عملیاتی، در پاره ای از موارد، نیروهای امدادی و مردمی را در محل زلزله به عواملی دست و پا گیر که کارهای غیرضروری انجام می دهند یا اقدام به دوباره کاری می کنند، تبدیل می کند. وجود عوامل دولتی

مختلف که هرکدام مدعی ریاست است و دستوری را به امدادگران و بهمداران می‌دهد، وقت زیادی از نیروی انسانی تلف می‌کند و خود به عاملی برای نارضایتی زلزله‌زدگان تبدیل می‌شود.

گفتار چهارم. طراحی نظام پیشگیری از جرم در زلزله

پیشگیری از جرم در منطقه زلزله‌زده، مفهومی جدا از مدیریت جامع بحران به‌وجودآمده در آن منطقه ندارد. به عبارت بهتر، در طرح کلی که برای کنترل و مدیریت بحران ناشی از زلزله اندیشیده می‌شود، طرح پیشگیری از جرم، جزئی کوچک از نظام مدیریت بحران به شمار خواهد رفت. در این گفتار، با در نظر گرفتن موضوع مقاله، صرفاً نظام پیشگیری از جرم در زلزله - و نه طرح جامع مدیریت بحران - بررسی خواهد شد.

برای ارائه چنین طرحی، باید ضمن ارائه ویژگی‌های نظام پیشگیری از جرم در زلزله و الگوی پدیدارشناختی جرایم، به دسته‌بندی جغرافیایی کانون بحران و کانون مدیریت آن پرداخت و سپس نظام جامع پیشگیری از جرم در زلزله را ارائه داد.

۴-۱. پیشگیری وضعی از جرم پیش از وقوع زلزله

هدف از پیشگیری وضعی عبارت از اتخاذ تدابیری است که بهای عمل مجرمانه را بیش از سود حاصل از آن می‌سازد. بنابراین پیشگیری وضعی عبارت از مجموعه اقداماتی است که کوشش مجرم را برای انجام فعل مجرمانه افزایش می‌دهد یا انجام جرم را پرخطر می‌سازد یا دستاوردهای مورد انتظار از جرم مقصود را کاهش می‌دهد [۲۲، ص ۶۱۳؛ ۱۷، ص ۱۹۸].

در برنامه‌های پیشگیری وضعی، ابتدا موقعیت‌های دارای خطر بزهکاری و آماج‌های بالقوه شناسایی می‌شوند. پس از آن با اتخاذ فنونی سعی می‌شود تا از به فعلیت درآمدن این وضعیت بالقوه جلوگیری شود [۱، ص ۴۲]. هدف این است که بهای عمل مجرمانه بیش از سود حاصل از آن شود تا براساس اصل حسابگری، افزایش هزینه‌ها و کاهش سودها، از جذابیت رفتارهای کیفری بکاهد و فرد را از ارتکاب جرم منصرف کند.

پیشگیری وضعی، بر موقعیت، وضعیت و فرصت تکیه دارد و از طریق حذف موقعیت‌های دارای خطر جرم، از آن جلوگیری می‌کند. به این منظور، از طریق اقدامات غیرکیفری در شرایط محیطی (موقعیت) و فردی (افراد مستعد بزه‌دیدگی)، دخالت می‌کند و با اصلاح و تغییر آن، فرصت ارتکاب جرم را از مجرم می‌گیرد و بر تصمیم ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد [۱۲، ص ۱۰]. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تقریباً همه تدابیر و راهکارهای مرتبط با پیشگیری وضعی برای حالت و شرایط عادی اندیشیده شده است. در واقع، در کشورهای مختلف، در برنامه‌های توسعه

توجه کمتری به شرایط اضطراری و بحران‌ها می‌شود. اغلب مرسوم است که برنامه‌ریزان توسعه و بحران جدا از هم کار کنند و همین امر سبب می‌شود که ناهماهنگی‌هایی در امر برنامه‌ریزی توسعه و بحران ایجاد شود [۲۵، ص ۸۷]. «در مورد مسئله ایمنی فیزیکی در اغلب طرح‌ها، این واقعیت وجود دارد که اشخاصی که طراح هستند، از جرایم و نحوه وقوع آنها آگاهی ندارند» [۷، ص ۲۳].

بزهکاران اصولاً - جز در شرایط اضطراری - در انتخاب مکان جرم، شخص هدف (بزه‌دیده در جرایم علیه اشخاص)، مال هدف (در جرایم علیه مالکیت) و زمان جرم، همه دقت خویش را به کار می‌گیرند. در واقع با توجه به تحلیل هزینه - فایده که بزهکاران منطقی نیز عقلاً بدان پایبندند، ارتکاب جرم شروع می‌شود [۲، ص ۲۵]. زلزله فراگیر، چون فضاها را تغییر می‌دهد و عوامل کنترل را نابود یا دچار سردرگمی اولیه می‌کند، هزینه ارتکاب جرایم خاص را در مقایسه با فایده ناشی از ارتکاب آنها کاهش می‌دهد.

چنانکه گفته شد، بررسی توصیفی که از پیشگیری وضعی به عمل آمده و نیز پژوهش‌هایی که در بیان چالش‌ها و انتقادات وارد بر این نوع از پیشگیری نوشته شده [از جمله، ر.ک.: ۹]، بیانگر آن است که نه در طراحی و اجرای این نوع از پیشگیری و نه در نقد این شیوه، به حالت‌های فوق‌العاده و در عین حال فراگیری (مانند زلزله) که موجب افزایش بزهکاری می‌شوند یا این احتمال جدی وجود دارد که سبب رشد جرم شوند، توجهی نشده است. شاید به این دلیل که زلزله جنبه کاملاً تصادفی و دور انتظار دارد و اصل بر وقوع نیافتن آن است. همچنین هزینه‌های پیشگیری از جرم قبل از بروز حادثه به قدری زیاد یا تا حدی بیهوده (غیراقتصادی) به نظر می‌رسد که متولیان امر به‌ندرت در این حوزه اقدام می‌کنند.

یکی از بهترین راهکارها برای کاستن از جرم در شرایط حوادث فراگیری چون زلزله، توجه عملی به رویکرد پیشگیری محیطی - به‌طور خاص قبل از بروز زلزله - است. پیشگیری محیطی از جرم پیشتر توسط جامعه‌شناسان مطرح شد و سپس توجه حقوقدانان بدان جلب شد. «این تئوری بر آن است تا با مطالعه خصوصیات کالبدی محیط، ایمنی آن مکان به حداکثر برسد و کنترل بر رفتار مجرمان افزایش یابد» [۲۱، ص ۵۹-۵۸].

نیاز به توجه به پیشگیری محیطی پیش از بروز زلزله، در حالی است که «بسیاری از جرایم شهری در مناطقی روی می‌دهد که نظارت عمومی کم است یا انسان حضور فیزیکی ندارد» [۷، ص ۲۲]. در واقع طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم برای حالت عادی (بدون خطر عمومی ناشی از حوادث فراگیر) انجام گرفته و اساساً این موضوع که فضاهای باز و ایمن به یکباره آماج جرم قرار گیرند و تهدید شوند، توجه و مطالعه متفاوتی را می‌طلبد که تاکنون انجام نگرفته است.

۲-۴. ویژگی‌های نظام پیشگیری از جرم در زمان وقوع و پس از زلزله

در صورتی که زلزله شدیدی در کلانشهری چون تهران یا تبریز رخ دهد - که احتمال آن با توجه به شرایط زمین‌شناختی، زیاد است - آثار زیانبار آن شدید، سریع و جبران‌ناپذیر خواهد بود. از این رو شیوه‌ای که برای مدیریت چنین فاجعه‌ای باید اندیشیده شود نیز باید پیشگیرانه، سریع و شفاف باشد. در مورد چنین حادثه‌ای، هیچ کس تردید ندارد که هزینه‌هایی که به لحاظ مالی، نیروی انسانی و فضا برای پیشگیری صرف می‌شود، در مقایسه با فجایعی که از آن پیشگیری می‌شود، بسیار ناچیز خواهد بود.

باید توجه داشت که ساختار جامعه شهری منجر به ارتکاب جرایمی می‌شود که نمی‌توان نظیر آن را در نقاط دیگر دید. فعالیت‌های شهری، برخلاف روستاها، به روزانه و شبانه، صنعت و خدمات و ... تقسیم می‌شوند. اندازه محیط‌های شهری و ناشناس بودن مردم برای همدیگر، از جمله دلایل ایجاد دسته‌بندی‌های مختلف میان مردم در شهرهاست. از دید جرم‌شناسی، شهرنشینی سبب ایجاد فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم می‌شود و نبود یا ضعف کنترل‌های غیررسمی اجتماعی، زمینه را برای فعالیت‌های مجرمانه فراهم می‌کند [۴، ص ۱۰-۹].

علاوه بر «رویکرد چندوجهی و ضرورت شکل‌گیری نظام واحد و هماهنگ» برای پیشگیری از جرم در زلزله، آنچه باید قبل از وقوع زلزله مورد توجه قرار گیرد، «سختگیرانه بودن نظام پیشگیری» است.^۱ در واقع، مدیریت عالی بحران زلزله، باید تدابیر واقعی و عینی برای شرایط بحران وضع کرده و در قالب زمان‌بندی مشخص آنها را اجرا و عملیاتی کند. برای تحقق شرط سختگیری، باید ضمانت‌اجراهای ملموسی برای تخلف از وظیفه هر یک از اعضای نظام مدیریت بحران، در هر درجه و طبقه‌ای اعم از مدیریت عالی، پیمانکار یا مأمور اندیشیده شده و در صورت لزوم اجرا شود.

نتیجه و پیشنهاد (تقسیم جغرافیایی کانون بحران و حوزه مدیریت آن)

به لحاظ جغرافیایی، منطقه‌ای که بالای طبیعی در آن روی داده، کانون اصلی بحران محسوب می‌شود. این منطقه یعنی «منطقه قرمز»، حسب نوع حادثه ممکن است کوچک یا بزرگ باشد. طبیعی است که هرچه منطقه قرمز وسیع‌تر باشد، بحران ناشی از آن بیشتر و احتمال ارتکاب و تنوع جرایم نیز زیادتر است. برخی از حوادث طبیعی مانند سیلی که چند خانه روستایی را

۱. جلوه بارز و حداکثری این سختگیری که به عینیت ضمانت اجراها و بیشترین پیشگیری می‌انجامد، زمانی است که با وضع قانون، دولت در برابر حوادث طبیعی قابل پیش‌بینی و/یا قابل پیشگیری مسئولیت مدنی داشته و اشخاص متخلف دولتی مسئولیت کیفری داشته باشند. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: ۶.

تخریب می‌کند، اساساً بحران در سطح ملی یا شهری به شمار نمی‌آیند و از این رو بحث جرم و پیشگیری درباره آنها مطرح نمی‌شود. در مقابل، زلزله ویرانگر در یک کلانشهر یا پایتخت یک کشور می‌تواند بحران ملی و حتی منطقه‌ای محسوب شود و در پس خود انواع بزهکاری و ناهنجاری را در پی داشته باشد.

اطراف منطقه حادثه‌دیده، یعنی مرزهایی که منطقه حادثه را از مناطق دیگر جدا می‌سازد، «منطقه زرد» است. از همین منطقه است که پاره‌ای از فرصت‌طلبان اقدام به نفوذ در کانون بحران و سوء استفاده از شرایط ناشی از حادثه می‌کنند.

پس از منطقه زرد، «منطقه نارنجی» شروع می‌شود. در تقسیمات کشوری، استان محل حادثه را باید ملاک جدایی این نقطه از آخرین منطقه یعنی «منطقه سبز» دانست. مرکز منطقه اخیر، اصولاً پایتخت کشور است، مگر اینکه خود پایتخت منطقه قرمز یا زرد باشد. چنانکه خواهیم دید، منطقه‌بندی دقیق به شرح فوق و اجرای دستورالعمل‌های مرتبط با هر منطقه، عامل مهمی در پیشگیری از جرم خواهد بود.

پس از منطقه‌بندی علمی محل حادثه و مناطق اطراف آن، منطقه قرمز، به‌عنوان کانون بالای طبیعی، مرکز پیشگیری عملی و جدی از جرم، خشونت و مشکلات روانی از طریق پلیس پیشگیری، مشاوره روانی و مددکاری اجتماعی است. در منطقه زرد، راهبرد مدیریت محسوس اعمال می‌شود. یعنی ضمن بازرسی و کنترل رفت‌وآمدها و ورود و خروج وسایل نقلیه، از وارد شدن افراد غیرمجاز به منطقه قرمز جلوگیری خواهد شد. منطقه نارنجی محل استقرار مدیریت اجرایی پیشگیری از جرم بوده و در منطقه سبز، مرکز مدیریت عالی پیشگیری مستقر خواهد بود. مدیریت عالی بحران - که مدیریت پیشگیری جزئی از آن را تشکیل می‌دهد - ممکن است اقدام به اتخاذ «راهبرد تغییر جزئی فضای بحران یا توزیع مصیبت» کند. این راهبرد، در اکثر زلزله‌های فراگیر، با انتقال مصدومان به بیمارستان‌های نقاط مختلف کشور انجام می‌گیرد. در این حالت حفظ اموال منتقل‌شدگان و دفاع از حریم املاک ایشان بر عهده پلیس پیشگیری خواهد بود. لازمه این امر صدور شناسنامه برای مصیبت‌زدگان مصدوم و تأیید انتقال آنها از منطقه قرمز است تا بدین‌وسیله راه برای سوء استفاده فرصت‌طلبان تا حد امکان بسته شود.

در منطقه نارنجی، مدیریت اجرایی باید تدابیر بیندیشد تا مأموران و نیروهای مردمی امداد و نجات، به‌هنگام ورود به منطقه قرمز، مجوز ورود دریافت کنند. این مجوز تنها در منطقه قرمز معتبر است و به‌هنگام خروج باید تحویل داده شود. با این روش و اقدامات دیگری همچون ممانعت از ورود افراد خیری که خود قصد توزیع کمک‌های غیرنقدی جمع‌آوری‌شده از منطقه

محل سکونت خویش را دارند، به منطقه قرمز و نیز کنترل ورود و خروج هوایی در فرودگاه‌های مبدأ و مقصد، می‌توان تا حد زیادی از جرایم فرصت‌طلبان کاست.

مدیریت عالی در منطقه «سبز» این اختیار را خواهد داشت که تدابیر فوری و اضطراری برای مدیریت بحران مقرر داشته و برای اجرای سریع ابلاغ کند. این تدابیر، از جمله محدود یا گسترده‌تر کردن حدود منطقه قرمز (کانون بحران)، محاصره نظامی منطقه مذکور به‌منظور پیشگیری از سرایت بیماری‌های واگیر به دیگر مناطق کشور، بازرسی همه کامیون‌ها و خودروهای بار یا همه وسایل نقلیه در منطقه زرد، به‌منظور کشف اشیای مسروقه یا کنترل جرم و جنایت و ... را شامل می‌شود.

به‌عنوان نکته بدیهی، موفقیت نظام جامع پیشگیری، مستلزم هماهنگی پلیس پیشگیری با نهادهای دیگر و نیز اتخاذ مدیریت برنامه‌ریزی پیشگیری از جرم با مدیریت عالی بحران عمومی ناشی از بلای طبیعی خواهد بود. در غیر این صورت، هرگونه اقدام خودسرانه برای پیشگیری از جرم محکوم به شکست یا منجر به اخلال در امر امداد و نجات خواهد بود.

سرانجام اینکه در طراحی این نظام باید به‌شدت به «تجارب قبلی و نیز تجربه کشورهای موفق» تکیه کرد. زیرا زلزله، برخلاف جنگ حادثه‌ای است که با شرایط تقریباً مشابه در مناطق مختلف زمین روی می‌دهد و از این‌رو بسیاری از آثار زیانبار آن به حکم تجربه قابل پیش‌بینی و/یا پیشگیری است.

منابع

- [۱]. ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸). «رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن»، فصلنامه آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۲.
- [۲]. احمدی، توحید؛ تیموری، راضیه؛ و السان، مصطفی (۱۳۹۰). «پیشگیری محیطی از جرائم شهری»، فصلنامه پیشگیری از جرم، دوره ۶، ش ۱۹.
- [۳]. السان، مصطفی (۱۳۸۶). «پیشگیری تعاملی از جرم (پیشگیری در فرایند زمانی بزهکاری)»، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، ش ۵.
- [۴]. السان، مصطفی (۱۳۸۷). «پیشگیری چند نهادی از جرایم شهری»، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۹.
- [۵]. السان، مصطفی (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی در قبال حوادث طبیعی (بررسی تطبیقی مبانی، محدودیت‌ها و رویه قضایی با تأکید بر زلزله)، دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش)، سال هشتم، ش ۱۶.
- [۶]. السان، مصطفی (۱۳۸۷). «نظریه مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث طبیعی»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، سال دهم، ش ۲۴.
- [۷]. ایرانی بهبهانی، هما؛ و شیخی، سبا (۱۳۹۳). «پیشگیری محیطی از جرائم و آسیب‌های اجتماعی در پارک‌های شهری؛ مورد مطالعه: پارک لاله تهران»، فصلنامه علمی ترویجی پیشگیری از جرم، دوره نهم، ش ۳۳.
- [۸]. ایلکا، شهاب؛ و ایلکا، شاهین (۱۳۹۱). کاهش میزان جرم‌خیزی در بازسازی مناطق شهری زلزله‌زده با رویکرد CPTED با تأکید بر چرخه مدیریت بحران (مورد پژوهی: بازسازی شهر بم پس از زلزله سال ۱۳۸۲)، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۲۹.
- [۹]. پارسا، محمدمتین؛ و غلامی، نبی‌اله (۱۳۹۷). «مفهوم‌شناسی پاسخ به مخاطرات طبیعی براساس رویکرد جرم‌شناختی گذار از نظر به عمل»، مجله مدیریت مخاطرات محیطی، دوره ۵، ش ۲.
- [۱۰]. پیران، پرویز (۱۳۸۲). «جامعه‌شناسی مصائب جمعی و نقش آن در مدیریت بحران ناشی از حادثه»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، ش ۱۱.
- [۱۱]. حسینی، سیدمحمد؛ و اعتمادی، امیر (۱۳۹۴). سرقت مقرون به آزار در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان، مجله مطالعات حقوقی، دانشگاه شیراز، دوره ۷، ش ۳.
- [۱۲]. خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۰). پیشگیری فنی از جرم، تهران: میزان.

- [۱۳]. دهقانی، معصومه، افزایش جراثیم و بزهکاری‌ها بعد از بحران زلزله بم، مؤسسه آموزش و مطالعات مدیریت بحران کرمان (www.kdmc.ir).
- [۱۴]. راد گودرزی، رضا؛ رحیمی موقر، آفرین؛ فرهودیان، علی؛ و وزیریان، محسن (۱۳۸۵). تغییرات عرضه مواد در بم طی سال اول پس از زلزله، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره ۵، ش ۲۰.
- [۱۵]. رحیمی موقر، آفرین؛ فرهودیان، علی؛ یونسیان، مسعود؛ راد گودرزی، رضا؛ شریفی، وناد؛ و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۶). «شیوع و تغییرات مصرف مواد در بازماندگان زلزله بم هشت ماه پس از زلزله»، *مجله پایش*، دوره ۶، ش ۳.
- [۱۶]. رسولی، غلامرضا (۱۳۹۲). جرایم وقوع یافته در بحران زلزله بم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی (به نقل از: <http://adlpub.com>).
- [۱۷]. صفاری، علی (۱۳۸۱). «انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۶-۳۵.
- [۱۸]. صیقل، یزدان؛ بنی‌نعیمه، عیسی؛ و ایرانی، امیر (۱۳۹۸). «جهت‌گیری سیاست کیفری برمبنای دانش مخاطرات (مطالعه موردی: سیل فروردین ۱۳۹۸ در خوزستان و شیراز)»، *مجله مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۶، ش ۳.
- [۱۹]. عباسی، سعید؛ و معراجی، رعنا (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت جراثیم پس از وقوع زلزله»، نخستین همایش زلزله در دورود، دانشگاه آزاد اسلامی دورود.
- [۲۰]. فرهودیان، علی؛ رحیمی موقر، آفرین؛ راد گودرزی، رضا؛ یونسیان، مسعود؛ و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۵). «بررسی تغییرات مصرف مواد افیونی و مداخلات موجود در طول سال اول پس از زلزله در بم»، *فصلنامه حکیم*، دوره ۹، ش ۱.
- [۲۱]. کلانتری، محسن؛ حیدریان، مسعود؛ و محمودی، عاطفه (۱۳۸۹). «ایمن‌سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، ش ۱۲.
- [۲۲]. گسن، رمون (۱۳۷۹). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۰-۱۹.
- [۲۳]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۲۶-۲۵.
- [۲۴]. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۳). «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ش ۶.

- [۲۵]. وروایی، اکبر؛ و نادری، علی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران‌های طبیعی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۲۹.
- [26]. Ching, Jacqueline; & Ching, Jackie (2009). *Genocide and the Bosnian War (Genocide in Modern Times)*, Rosen Publishing Group.
- [27]. Farajiha Ghazvini, Mohammad (2002). *Police Protection to Victims of Crime*, New Delhi: Deep & Deep Publication.
- [28]. Kwanga, Godwin M.; Shabu, Terwase; & Mbanengen Adaaku, Emily (2017). "Natural Disasters and Crime Incidence: A Case of 2012 Flooding in Benue State", Nigeria, *International Journal of Geology, Agriculture and Environmental Sciences*, Vol. 5, Issue 5.
- [29]. Roy, Susmita (2010). "The impact of natural disasters on crime, Working Papers in Economics 10/57", University of Canterbury, Search Results Web results Department of Economics and Finance College of Business and Economics, University of Canterbury, New Zealand.
- [30]. Zahran, S.; Shelly O.T.; Peek, L.; & Brody S.D., (2009). "Natural disaster and social order: Modeling crime outcomes and disasters in Florida", *International Journal of Mass Emergencies and Disasters*, Vol. 27, No.1.